

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٢٥١٧

۸۷/۱/۱۰۸۹۲۷
۸۸/۵/۱



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

بررسی تحول مفهوم و جایگاه عقل از دوره یونان باستان تا کنون و بررسی
تطبیقی دلالت‌های تربیتی آن

استاد مشاور
دکتر علی‌رضا صادق زاده

مریم بناهان

استاد راهنما:

دکتر سید مهدی سجادی

۱۳۸۸ / ۱ / ۱۸

استاد مشاور:

دکتر علی‌رضا صادق زاده

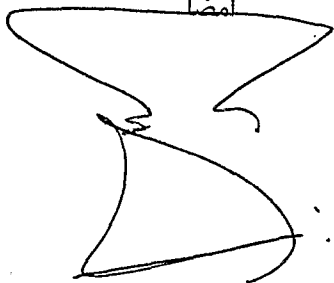


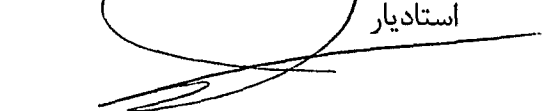
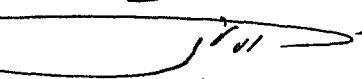
شهریور ۱۳۸۷

۱۵۳۵۱۷

بسمه تعالی

تأییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه خانم مریم بناهان تحت عنوان " بررسی تحول مفهوم و جایگاه عقل از یونان باستان تاکنون و بررسی تطبیقی دلالت‌های تربیتی آن " را از نظر فرم و محتوا بررسی نموده و پذیرش آن را برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند .

اعضای هیات داوران	نام نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
۱- استاد راهنما :	دکتر سید مهدی سجادی	استادیار	
۲- استاد مشاور :	دکتر علیرضا صادق زاده	استادیار	
۳- استاد ناظر:	دکتر محسن ایمانی	استادیار	
۴- استاد ناظر:	دکتر اکبر رهنما	استادیار	
۵- نماینده تحصیلات تکمیلی:	دکتر محسن ایمانی	استادیار	

آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست های دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان نامه ها، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان نامه / رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق مادی و معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان نامه / رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تأیید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول علمی مستخرج از پایان نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

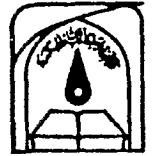
تبصره: در مقالاتی که پس از دانش آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان نامه / رساله نیز منتشر می شود باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه حاصل از نتایج پایان نامه / رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره ملی، منطقه ای و بین المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان نامه / رساله

و تمامی طرح های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تأیید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم الاجرا است.



بسمه تعالی

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت های علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:
«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته
که در سال در دانشکده دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم / جناب
آقای دکتر ، مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر و مشاوره سرکار
خانم / جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵ دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶ اینجانب مریم سبحان دانشجوی رشته تاریخ در مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: مریم سبحان

تاریخ و امضا:

"الحمد لله الذی اعطی بالقلیل کثیر"

**حمد و سپاس تو را سزااست . چه عظیم است
پاداش تو چه حقیر است تلاش من.**

خداوندا از تو می خواهم توان قدردانی از آنان که حمایت‌های بی
دریغشان محرک راهم بود.

تقدیم به پدر و مادر این دو گوهر آسمانی که شادی آنان پیمودن
مسیر صعب دانش را چه خوش معنا نمود .

به خواهر مهربانم که چه بزرگوارانه سختی‌ها را با من سهیم شد و
موفقیت‌ها را تماماً به من بخشید.

و به همسر و فرزندان عزیزم که چه صبورانه به شادی من شاد و به
کمبودها رضا دادند.

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

خداوندا تورا سپاس می گویم که مرا به این راه هدایت فرمودی و از تو استعانت می جویم برای ادامه راه و به تو پناه می آورم از دمی غفلت از یاد و رضای خودت.

پس از حمد و سپاس الهی قدردانی و تشکر از اساتید گرانقدر و محترم را بر خویش واجب می دانم و همواره خود را مدیون تلاش و دانش و بخشش آنان خواهم دانست. اساتید گرامی آقایان دکتر سید مهدی سجادی استاد محترم راهنما که علاوه بر بهره مندی از گنجینه دانش و اطلاعات ارزنده و راهنماییهای مفید مظهرت، دلگرمی و امیدبخشی های حکیمانه ایشان امکان موفقیت و ادامه راه را صدچندان نمود و حجت الاسلام دکتر علیرضا صادق زاده استاد محترم مشاور که تیزبینانه و مسئولانه مرا از نکته سنجی هایشان بهره مند ساختند، و از هیچ کمکی دریغ نفرمودند، و نیز اساتید محترم داور آقایان دکتر اکبر رهنما و دکتر محسن ایمانی که علیرغم محدودیت زمانی و مسئولیتهای اجرایی مسئولیت داوری پایان نامه را بعهده گرفته و صبورانه به هدایت اینجانب در جهت اكمال کار رهنمود ارائه دادند، صمیمانه و خالصانه تشکر نموده و از خداوند متعال برای تمامی این عزیزان سلامتی و توفیقات روزافزون مسئلت دارم.

چکیده :

شناخت و منابع آن از اساسی ترین زمینه های تفکر بشری است . از میان منابع شناخت " عقل " ، ویژگی ها، کارکردها، توانایی ها، و سهم آن در دستیابی به حقیقت چالش برانگیز ترین است. اگرچه تحقیقات بسیاری در زمینه عقل صورت گرفته است لیکن پرداختن به بررسی مفاهیم مختلف عقل در طول ادوار مختلف تاریخی مغفول مانده است .

پژوهش پیش روی تحت عنوان " بررسی سیر تحول مفهوم جایگاه عقل از یونان باستان تا کنون و بررسی تطبیقی دلالت‌های تربیتی آن " در پی ترسیم نقش ها و جلوه های مختلفی است که عقل در ادوار گوناگون تاریخی البته در مغرب زمین به نمایش گذاشته است .

در بررسی هر دوره تاریخی اندیشمندی بعنوان شاخص برگزیده شده تا کانون بررسی آن دوره خاص باشد و پس از انجام بررسی مفهوم و جایگاه عقل در هر چهار دوره تاریخی، به استنباط دلالت‌های تربیتی هر دوره با توجه به رویکرد خاص آن دوره به عقل پرداخته شده است . آنچه حاصل آمده، این است که مفهوم جایگاه عقل با فراز و فرود و اوج و حضیض منظمی همراه بوده است و تربیت در هر دوره تاریخی متأثر از نگاه آن دوره به مفهوم و جایگاه عقل است .

در نهایت، بررسی سیر تحول، نگاهی تاریخ محور بر مفهوم و جایگاه عقل در هر دوره تاریخی دارد و امکان دستیابی به شمائی کلی در مورد مفهوم و جایگاه عقل از ابتدای اندیشه و فرهنگ بشری در مغرب زمین تا دوره معاصر را در یک مجموعه به طور موجز فراهم می آورد .

کلمات کلیدی : تحول تاریخی، مفهوم عقل، جایگاه عقل، تربیت

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : طرح تحقیق

۱ مقدمه
۶ ۱-۱- بیان مسأله
۷ ۲-۱- ضرورت تحقیق
۹ ۳-۱- اهداف تحقیق
۹ ۴-۱- سؤالات تحقیق
۱۰ ۵-۱- مواد و روش تحقیق

فصل دوم : ادبیات تحقیق

۱۱ مقدمه
	(عقل از منظر برخی متفکران اسلامی و غربی و پاره ای معانی و اصطلاحات مربوط به عقل)

۲-۱- مفهوم و جایگاه عقل در یونان باستان

۲۳ مقدمه
۲۵ ۱-۱-۲- تاریخچه یونان باستان
۲۸ ۲-۱-۲- تاریخ اندیشه یونان باستان
۳۲ ۳-۱-۲- افلاطون
۳۴ ۱-۳-۱-۲- افلاطون و دانستن
۳۷ ۲-۳-۱-۲- منشأ تفکر فلسفی افلاطون
۳۹ ۳-۳-۱-۲- جایگاه عقل در معرفت شناسی افلاطون
۴۷ ۴-۳-۱-۲- جایگاه عقل در انسان شناسی افلاطون
۵۲ ۵-۳-۱-۲- جایگاه عقل در فلسفه افلاطون
۵۷ ۶-۳-۱-۲- دیالوگ افلاطونی و عقل
۶۰ ۴-۱-۲- جمع بندی نهایی پیرامون مفهوم و جایگاه عقل در یونان باستان

۲-۲- مفهوم و جایگاه عقل در قرون وسطی

۶۱ مقدمه
۶۵ عقل از منظر متفکران قرون وسطی ۱-۲-۲
۷۰ مکتب مدرسی ۲-۲-۲
۷۲ جایگاه عقل در قرون وسطی ۳-۲-۲
۷۷ قدیس توماس آکویناس ۴-۲-۲
۸۴ مفهوم و جایگاه عقل در معرفت شناسی آکویناس ۱-۴-۲-۲
۹۵ مفهوم و جایگاه عقل در انسان شناسی آکویناس ۲-۴-۲-۲
۹۸ جمع بندی نهایی پیرامون مفهوم و جایگاه عقل در قرون وسطی ۵-۲-۲

۲-۳- مفهوم و جایگاه عقل در دوره مدرن

۹۹ مقدمه
۱۰۲ مدرنیسم یا تجددگرایی ۱-۳-۲
۱۰۴ عصر روشنگری ۲-۳-۲
۱۰۸ مفاهیم کلیدی در اندیشه روشنگری ۳-۳-۲
۱۱۰ رومانیسم ۱-۳-۳-۲
۱۱۳ مکتب اصالت انسان ۲-۳-۳-۲
۱۱۳ سکولاریسم ۳-۳-۳-۲
۱۱۴ رنه دکارت ۴-۳-۲
۱۱۵ باروخ اسپینوزا ۵-۳-۲
۱۱۵ جان لاک ۶-۳-۲
۱۱۶ ایمانوئل کانت ۷-۳-۲
۱۱۸ کانت و روشنگری ۱-۷-۳-۲
۱۲۲ شناخت شناسی کانت ۲-۷-۳-۲
۱۲۲ عقل گرایی و تجربه گرایی ۱-۲-۷-۳-۲
۱۲۴ جایگاه عقل در شناخت استعلایی کانت ۲-۲-۷-۳-۲
۱۲۸ منابع شناخت از منظر کانت ۳-۲-۷-۳-۲
۱۳۲ تفاوت عقل و عقل ورزی ۴-۲-۷-۳-۲
۱۳۵ کاربردهای مختلف صور عقلی از منظر کانت ۳-۷-۳-۲
۱۳۷ جایگاه عقل در انسان شناسی کانت ۴-۷-۳-۲

۱۴۲ ۸-۳-۲- جمع بندی نهایی پیرامون مفهوم و جایگاه عقل در دوره مدرن

۲-۴ - مفهوم و جایگاه عقل در دوره پست مدرن (معاصر)

۱۴۳ مقدمه
۱۴۵ ۱-۴-۲- دوران معاصر
۱۴۸ ۲-۴-۲- نقد پست مدرن به روشنگری
۱۴۹ ۳-۴-۲- جایگاه عقل در معرفت شناسی پست مدرنیسم
۱۵۳ ۴-۴-۲- مفهوم و جایگاه عقل در انسان شناسی پست مدرن
۱۵۵ ۱-۴-۴-۲- غیریت در انسان شناسی پست مدرن
۱۵۵ ۲-۴-۴-۲- هویت و مفهوم خود در انسان شناسی پست مدرن
۱۵۶ ۳-۴-۴-۲- مرگ مؤلف یا توجه به عقول متکثر
۱۵۸ ۵-۴-۲- ویژگی های اندیشه پست مدرن
۱۶۲ ۶-۴-۲- نتیجه
۱۶۳ ۷-۴-۲- هایدگر
۱۶۵ ۸-۴-۲- میشل فوکو
۱۶۶ ۹-۴-۲- ژان فرانسوا لیوتار
۱۶۷ ۱-۹-۴-۲- اندیشه های لیوتار
۱۷۲ ۲-۹-۴-۲- دانش از منظر لیوتار
۱۷۴ ۱-۲-۹-۴-۲- دانش روایی و دانش علمی
۱۷۷ ۱۰-۴-۲- جمع بندی نهایی پیرامون مفهوم و جایگاه عقل در پست مدرن
۱۷۸ ۱۱-۴-۲- نتیجه گیری فصل دوم
۱۷۹ ۱۲-۴-۲- نمودار دوره های تاریخی و منابع شناخت
۱۸۰ ۱۳-۴-۲- جدولهای مقایسه ای مفهوم و جایگاه عقل در چهار دوره تاریخی
۱۸۲ ۱۴-۴-۲- پیشینه پژوهشی

فصل سوم : یافته های تحقیق

۳-۱- دلالت های تربیتی مبتنی بر مفهوم و جایگاه عقل در یونان باستان

۱۸۶ مقدمه
۱۸۷ ۱-۱-۳- تربیت در یونان باستان

۱۹۳ ۱-۱-۱-۳ جایگاه عقلانی اعتدال در تربیت
۱۹۴ ۲-۱-۱-۳ جایگاه عقلانی فراست ودانایی در تربیت
۱۹۵ ۳-۱-۱-۳ جایگاه عقلانی میل ورغبت در تربیت
۱۹۶ ۴-۱-۱-۳ جایگاه عقلانی آزادی در تربیت
۱۹۶ ۵-۱-۱-۳ جایگاه عقلانی انسانگرایی و فضیلت محوری در تربیت
۱۹۷ ۲-۱-۳ تعلیم و تربیت افلاطونی
۱۹۹ ۱-۲-۱-۳ خصوصیات کلی نظام تعلیم و تربیت افلاطونی
۱۹۹ ۲-۲-۱-۳ رد پای عقل در تربیت افلاطونی
۲۰۷ ۳-۲-۱-۳ تربیت شهریار یا فیلسوف شاه
۲۱۰ ۳-۱-۳ جمع بندی ویژگی های تربیتی دوره یونان باستان

۳-۲- دلالت‌های تربیتی مبتنی بر مفهوم وجایگاه عقل در قرون وسطی

۲۱۱ مقدمه
۲۱۴ ۱-۲-۳ نقش کلیسا
۲۱۵ ۲-۲-۳ فرهنگ شهرنشینان و بزرگزادگان
۲۱۶ ۳-۲-۳ تربیت از منظر توماس آکویناس
۲۱۸ ۱-۳-۲-۳ اخلاق از منظر توماس آکویناس
۲۲۴ ۲-۳-۲-۳ فضائل چهارگانه در حیات اجتماعی انسان
۲۲۴ ۳-۳-۲-۳ ارتباط مفهوم وجایگاه عقل با تربیت از منظر آکویناس
۲۳۳ ۴-۲-۳ جمع بندی ویژگی های تربیتی در قرون وسطی

۳-۳- دلالت‌های تربیتی مبتنی بر مفهوم وجایگاه عقل در دوره مدرن

۲۳۴ مقدمه
۲۳۵ ۱-۳-۳ انسان در عصر روشنگر
۲۳۷ ۲-۳-۳ تعلیم و تربیت در دوره روشنگری
۲۳۸ ۱-۲-۳-۳ مبانی تحول و تغییر تعلیم و تربیت در دوره روشنگری
۲۴۱ ۳-۳-۳ کانت و تعلیم و تربیت
۲۴۷ ۱-۳-۳-۳ خلاصه نظرات کانت در مورد تربیت با تکیه بر کتاب تعلیم و تربیت ..
۲۴۹ ۲-۳-۳-۳ مفهوم وجایگاه عقل در تعلیم و تربیت از منظر کانت

۲۵۶ ۴-۳-۳ جمع بندی ویژگی های تربیتی دوره مدرن

۴-۳- دلالت های تربیتی مبتنی بر مفهوم وجایگاه عقل در دوره پست مدرن

۲۵۷ مقدمه
۲۵۹ ۴-۳-۱- کثرت گرایی پست مدرن
۲۶۰ ۴-۳-۱-۱- فواید کثرت گرایی
۲۶۱ ۴-۳-۱-۲- نقاط ضعف کثرت گرایی
۲۶۲ ۴-۳-۱-۳- کثرت گرایی و تعلیم و تربیت
۲۶۴ ۴-۳-۲- اخلاق پست مدرن
۲۶۶ ۴-۳-۳- تربیت دوره معاصر
۲۷۱ ۴-۴-۳- مفهوم وجایگاه عقل در تربیت از منظر لیوتار
۲۸۰ ۴-۳-۵- جمع بندی ویژگی های تربیتی دوره معاصر (پست مدرن)
۲۸۱ ۴-۳-۶- جداول مقایسه ای تناسب تربیت با مفهوم وجایگاه عقل ادوار تاریخی

فصل چهارم : نتیجه گیری و پیشنهادات

۲۸۳ ۴-۱- نتیجه گیری (پاسخ به سؤالات تحقیق)
۳۰۰ ۴-۲- پیشنهادات
۳۰۱ فهرست منابع و مأخذ
۳۱۴ چکیده لاتین

فصل اول:

طرح تحقیق

مقدمه

در بررسی سیر تحول عقل دو عامل اساسی رخ می نماید اول مسئله زمان و دیگری مسئله شناخت. وقتی صحبت از تحول مفهوم و جایگاه عقل در طی تاریخ می شود، بی درنگ زمان چهره می نماید. یعنی کندوکاو در این باب با گذشت زمان در ارتباط است. از اینرو شاید بتوان گفت که مکاتب مختلف بشری موالید هم آغوشی مفهوم عقل و زمان اند؛ و این ارتباط لاجرم گوناگونی تعاریف شناخت و حقیقت را در پی داشته است بهر حال آشنایی بیشتر با زمان حکایت از آن می کند که در واقع زمان مقدم است و تعاریف در دل زمان پدید آمده اند. اما در ذهن انسان، شناسایی مقدم است و آدمی سیر در جهان را با مفاهیمی که از آن دارد یعنی با شناخت شروع می کند.

تاریخ بشر، تاریخ تعقل اوست. کندی و شتاب زمان و نیز شکل و اندازه ی آن مولود حرکت عقل است. حرکت عقل یک وجهه جمعی دارد و یک صورت فردی؛ و از آن جا که شتاب و شکل این دو گونه حرکت، منطبق برهم نیست، شتاب و شکل زمان نیز در جمع و فرد می تواند متفاوت باشد. حتی در ادوار مختلف عمر یک فرد نیز زمان همسان نمی گذرد و این گونه گونی چهره های زمان، برآمده از نحوه ی تعقل است. شاید بتوان گفت هر کس به مقدار ادراک عقلی و به کارگیری نیروی تعقل، در زمان حضور دارد^۱.

^۱ - نصراله حکمت، - تأملی در فلسفه تاریخ عقل - تهران - الهام - ۱۳۷۶ - ص ۳۳

تاریخ اندیشیدن و تفکر اگرچه نقطه مطلق شروع نمی شناسد همانطور که تصور نقطه پایانی برای اندیشیدن نیز امری محال و حتی مضحک است، می توان نقطه شروع اندیشه را با آفرینش انسان برابر دانست. اما زمان توجه بشر به این فصل تمایز خویش با دیگر موجودات را شاید بتوان به دوره یونان باستان نسبت داد. از این رو ادوار تاریخی مطروحه در این باب نیز از دوره یونان باستان و یا حتی به شکلی بسیار کم رنگ از دوره بدوی (نه به عنوان دوره خاص تاریخی بلکه به عنوان زمان پیش از دوره یونان باستان)- از زمان مطرح شدن مقوله ای به نام تاریخ- آغاز شده است.

دستیابی به شناخت موضوع جدیدی نیست، که معرفت همزاد آدمی است. جستجوی منابع شناخت انسان را به غریزه، حس، عقل، و شهود و وحی رهنمون می گردد. از این میان سه مورد اول مربوط به نوع انسان و جنبه عام دارد، اما شهود و وحی نیازمند تمهیدات و مقدمات خاص، و منحصر به انسانهای برگزیده است. غریزه یعنی هدایت تکوینی موجودات و دانسته های ضروری که استمرار حیات انواع در گرو آن است، وجه مشترک انسان و حیوان. حس سطحی ترین و ابتدایی ترین راه معرفت بشری است، در حالیکه ادراک یافته های آن نیازمند همراهی عقل است. اما منبع اصلی شناخت، فصل تمایز ابناء بشر و تاج سروری اشرف مخلوقات، عقل است.

موضوع فلسفه، عقل و دستاوردهای آن است. مسایل فلسفه مباحثی است حول قوای عقل، حدود آن، تواناییهای آن و هر آنچه در گستره ی عقل می گنجد. هرچه انسان پیش آمده به موازات بعد زمانی از آغاز تاریخ، نگاهش به این مفهوم و اعتقادش به جایگاه و پایگاه آن تحت تأثیر عوامل گوناگون متفاوت و متحول گشته است. نوشتار پیش روی در واقع تحقیقی در بستر زمان برای یافتن فراز و فرودهای مفهوم و جایگاه عقل طی ادوار مختلف تاریخی است؛ و پس از توصیف و تشریح این اوج و حضیض در پی کشف دلایل احتمالی است.

مفهوم عقل در تمام ادوار و نزد همه ملل و نحل دقیقاً یکسان نبوده است و این اشاره به گوناگونی تعابیر و کاربردهای این واژه در زمانها، زبانها و فرهنگها دارد. معادلهایی که برای واژه عقل در کتب مختلف استفاده شده عبارتند از **rational , wisdom , mind, reason** ، **intellect**. معادل معنایی واژه **rational** را مستدل، معقول و مدلل گرفته اند این کلمه از ریشه لاتینی **ratio** گرفته شده است و به مفهوم توانایی استدلال است، کلمه **wisdom** معادل خرد، حکمت و دانایی است و به مفهوم قدرت قضاوت صحیح مبنی بر دانش، تجربه و فهم است و آنرا هم معنی با دانش و معرفت گرفته اند، و کلمه **mind** به معنای ذهن، فکر، فهم و نظر است.^۱ کلمه **reason** نیز از ریشه لاتینی **ratio** گرفته شده است به معنای تحقیق، استدلال، قیل و قال و بحث و فحص است و **intellect** مأخوذ از **intellectus** لاتینی به معنای شهود حقیقت و رسوخ به کنه آن است. این دو عقل در طول هم قرار دارند و تفاوت آنها به نقصان و کمال است به این معنا که **reason** پرتو و انعکاسی از **intellect** است همانکه به عنوان عقل شهودی ترجمه و تعبیر می شود.^۲

در هر دوره تاریخی ممکن است یکی از این مفاهیم مورد نظر باشد که با دید انسان نسبت به جایگاه، ارزش و اهمیت عقل در ارتباط تنگاتنگ است. باتعاطی در تاریخ اندیشه بشر طی چهار دوره یونان باستان، قرون وسطی، مدرن و معاصر می توان دریافت که با نگرش‌های خاصی که هر جامعه به عقل داشته جهان بینی خاصی در آن دوره حاکم بوده است. از اینرو تأکیدات تربیتی ویژه ای رانیز به همراه دارد.

بانگاهی به تاریخ تفکر و اندیشه یونان باستان عقل را شاه نشین مصدر واقعیت می یابید. عقل یونان باستان مظهر کمال، معرفت، انتظام و هماهنگی است. نگاه مطلق گرایانه به قدرت عقل در این دوران آن را به یگانه منبع معرفت اصیل که مصون از خطا، تغییر و تحول است مبدل ساخته؛ عقل

^۱ - Webster's New World Dictionary, 1986

^۲ - سید حسین نصر - معرفت و معنویت - نشر سهروردی - ۱۳۸۰ - ص ۴۰

یونان نه فقط منبع و منشأ معرفت، که هدایت کننده به سوی نیکی ها و سعادت است. واژه ای که در یونان باستان معادل عقل و خرد بکار گرفته می شد لوگوس است که معنایی فراتر از عقل صرف دارد..

اما با ظهور مسیح تو مار فرادش یونانی و روح تفکر عقلی پیچیده شد، و حقیقت به نحو دیگری ظهور کرد. بر طبق تعالیم مسیح، عالم و طبیعت و جامعه به صورت موجودات معقول که قابل ادراک فیلسوف باشد و به حکم خرد گردن نهد، تصور نمی شد. بر این اساس قرون وسطی و روح تفکر دینی مسیحی، عصر یونانی را به طاق نسیان سپرد و آن نگاه جهان مدارانه طرد گردید و در افق فراروی انسان فتوحی حاصل شد که در این افق انسان می توانست آسمان ملکوت را فرا بخواند^۱، عقل در کنار ایمان قرار گرفت و حتی گاهی جایگاه ایمان از عقل هم فراتر رفت. قرون وسطی، نام دوره ای است که برای تقسیم بندی تاریخ و تاریخ فلسفه استفاده می شود. معمولاً قرون وسطی را از پایان امپراتوری روم در قرن پنجم میلادی تا سقوط قسطنطنیه و پایان امپراتوری روم شرقی (یا امپراتوری بیزانس) در ۱۴۵۳ در نظر می گیرند. اعتقاد قرون وسطی بر این بود که تعقل - عالی ترین فعالیت انسان - یعنی اعمال قوای فکری و نظری است، مع الوصف سعادت ناقص و ناتمام است سعادت واقعی در اتحاد شناختی بی واسطه با خداوند حاصل می شود^۲.

اما اندک اندک اکثر مردمان این دوران از حقیقت دین غفلت کردند و شعله کم سوی چراغ مرده ی عقل یونانی را روشن نگاه داشتند پس دیگر ظاهراً دوره ی وحی بسر آمده بود^۳ عقل بشر از این پس در محدوده مسائل دینی نمانده و به عالم و آدم می پردازد و در واقع از آسمان به زمین می آید. دوره ی عقل و تفکر حسابگرانه جدیدی آغاز گشته بود که طی آن آدمی به مدد عقل بر طبیعت

^۱ - محمد مددپور - درآمدی بر سیر تفکر معاصر - تهران - سوره مهر - ۱۳۸۴ - ص ۲۷

^۲ - جرالد ال گوتک - مکاتب فلسفی و آراء تربیتی - ترجمه پاک سرشت - سمت - ۱۳۸۴ - ص ۸۰

^۳ - مددپور - پیشین - ص ۲۷

چیره می شد. دوره ی قدرت بشری. بشر، خود مدار عقل و تفکر عقلی خویش می شد. نقطه عطفی که عقل انسان را بعنوان یک عقل مستقل می بیند با کوگیتوی دکارت شروع می شود. قرن هیجدهم (قرن روشنایی) در مقابل قرون وسطی که به قرون تاریکی موسوم گشته بود قرار گرفت.^۱

کلمه مدرن از ریشه لاتین (modernus) گرفته شده است و مدرنیته بعد از عصر روشنگری^۲ در اروپا گسترش یافت. در همین دوران بود که انسان غربی به عقل خود بیشتر اعتماد پیدا کرد؛ البته باید توجه داشت که این اعتماد بیشتر متوجه نوعی عقلانیت صورتگرا^۳ بود. اینان معتقد بودند که هدف از ارجاع به عقل انسان تنها شناخت امور نیست، بلکه بهبود زندگی اجتماعی نیز مطمح نظر است؛ به عبارت دیگر عقل یک امر از پیش داده شده تلقی نمی شود بلکه استعدادی است که می باید فراگرفته شود از طریق آن زندگی اجتماعی و سیاسی دچار تحول گردد. البته باید میان عقلانیت^۴ و مکتب اصالت عقل^۵ و یا روند و جریان عقلانی نمودن^۶، تمایز قائل شد.^۷

مدرنیته خود گونه ای از تجربه است که برای نخستین بار به مثابه قابلیت، خواست و اراده تجربه کردن تجلی می یابد. در واقع عقل مدرن با به آزمایش گذاشتن نیروی داوری خویش درباره انسان و جهان موقعیت عقلانی خود را در واقعیت تحقق می بخشد و به اثبات می رساند.^۸ به این ترتیب دستاوردهای بحث مدرنیسم را می توان سوپژکتیویسم، اومانیسیم، پیشرفت علم و تکنولوژی، بی توجهی به شخص، بحران هویت و در نهایت نیست انگاری بدانیم.

^۱ - همان

3-Enlightenment
4-Formalist rationality
۴ - Rationality
۵ - Rationalism
۶ - Rationalization

^۷ - رضا داوری - پست مدرن دوران فترت - مشرق - ۱۳۷۳ - ص ۱

^۸ - رامین جهانگللو - نقد عقل مدرن - تهران - سپهر اندیشه - ۱۳۸۳ - صص ۹ و ۱۰

اینها عواملی بودند برای ظهور پست مدرنیسم. از آن پس مدرنیته به بحران ژرفی دچار گشت چرا که مردم و روشنگران نسبت به اشارت‌های علم بدبین شدند به گونه‌ای که یک نوع عقل‌گریزی به وجود آمد. از منظر فیلسوفان پست مدرن تفاهم عقلی توهمی بیش نیست، و مفاهیمی چون توافق، یگانگی، کلیت، و غایت همگی به یک خانواده تعلق دارند و در حول و حوش مفهوم عقل در سنت روشنگری می‌گردند و بیانگر فلسفه اجتماعی‌ای هستند که در آن جایی برای آزادی و خلاقیت فردی و بسیار گونگی فعالیت‌های بشری نیست.^۱ اگرچه دوره مدرن، عقل استدلال‌گر و برنامه‌ریز راعنصری هم لازم و هم کافی و منبعی لایزال برای نیل به سعادت می‌شمارد و به نوعی عقل بسندگی قائل است، اما دوره پسامدرن به عنوان توانایی بر افراط‌های مدرنیته معمولاً با بدبینی تمام، عقل سوژه محور مدرن را به چالش می‌کشد و در واقع به عقل ستیزی قائل است. پست مدرنها در مقابل عقلانیت مدرن، بر احساس و غرایز آدمی تأکید می‌کنند.

۱-۱- بیان مسأله

چنانکه ملاحظه می‌گردد عقل و جایگاه آن در اندیشه بشری در هر دوره مفهومی را نمایان می‌سازد که اگرچه ممکن است رگه‌هایی از مفهوم مورد نظر در دوره پیش از خود را به همراه داشته باشد اما تأکید برجسته‌های خاصی از مفهوم و جایگاه عقل، نگاهی تازه از این مفهوم ارائه می‌دهد که آنرا نمودی منحصر به فرد از آن دوره تاریخی خاص می‌سازد. علت این تغییرات و تحولات چه می‌تواند باشد انسان به دنبال چیست که نگاهش را به مصدر معرفت دگرگون می‌سازد و به عبارت دیگر زمینه ساز این تطورات چیست؟ آیا زمینه‌ای اجتماعی، سیاسی و یا علمی مسئول این تغییرات است و یا زمینه‌ای دینی و فرهنگی؟ از سوی دیگر هرنگاه خاص با توجه به ویژگی‌های خاص خویش چه اثراتی را به همراه خواهد داشت؟

^۱ - شاهرخ حقیقی - گذار از مدرنیته - تهران - نشر آگه - ۱۳۸۱ - ص ۳۷